

سه روز ماتم برای "جمعیت اسلامی"

اینان که بر این ملک کنون سرهنگ اند خصم هنر و زندگی و فرهنگ اند
فردا که ورق خورد کتاب تاریخ مثنی نام اند و معنی هر ننگ اند

حکومت کجدار و مریز کابل، ولسی جرگه تقلبی و مشرانو جرگه فرمایشی آن، در مرگ یک قاتل و یک توطئه گر و جنگ گستر، در مرگ کسی که کابل زیبا را به خاک و خون کشانیده و از کشته ها پشته ها ساخت، در مرگ یک جنایتکار جنگی بنام "ربانی"، مشهور به "خوجئین" و نیز "بحران الدین"، سه روز عزای "ملی" اعلان نموده اند. اگر از حق نگذیریم و از ترور و توطئه و اختطاف، که جمعیتی ها و شورای منحلۀ نظار شان در آن تخصص و تجربه سی (۳۰) ساله دارند، نهراسیم، باید گفته شود که در حقیقت امر این جمعیت اسلامی است که باید سه روز عزا بگیرد و ماتم کند، نه ملت شریف و رنجدیده افغان.

ما شاهد بودیم و هستیم که در سه دهه اخیر، مردم دربند کشیده شده افغانستان عزا دار بودند و هنوز هم هستند، و این جمعیت اسلامی و اعوان و انصار شان بودند که جشن و پاکوبی داشتند و سران و قوماندانان و بلند رتبه گان آنان بودند که به نان و نوائی رسیدند و امروز همه قصر نشینان غارت گری بیش نیستند که بخون ملت مظلوم افغان، تجارت سیاسی میکنند.

سه دهه شما جنابان جنایتکار و خونریز که کشور را به ویرانه مبدل نمودید و هست و بود آنرا بغارت بردید و گرفتید و بستید و کشتید و جنگ آفریدید و بحران، و تا توانستید عربده سرائی کردید و بد مستی، حق شما هاست که سه روز عزادار باشید که استاد و رهنما و رهبر تانرا از دست دادید و حق مسلم ملت در خون غلطیده افغان است که لا اقل بعد از سه دهه عزاداری و غم و ماتم در مرگ فرزندان و عزیزان و جگر گوشه های شان، سه روز نفسی به راحت کشیده و جشن و پایکوبی کنند و شهدای غرقه بخون شان، راحت بخوابند. ملت افغان اگر قرار باشد عزاداری کند، روز های منحوس هفت ثور و هشت ثور را باید عزا داری نموده و روز های ماتم ملی اعلان کنند، که سرمنشه و امتداد تمام آلام و بدبختی ها و سیه روزی های کشور برباد داده شده ما است. هرگز نباید چنان حقیر شد که در مرگ یک قاتل گریست. این حقارت و ماتم مبارک شما باشد "جمعیت اسلامی" !!

جمعیت اسلامی "بحران الدین جنگانی"، از مدت هاست که دیگر وجود خارجی نداشته و به پارچه های خورد و کوچک منقسم گردیده است.

ربانی دعای سر کرزی را نموده و به ریاست شورای صلح نام نهاد او پیوست و تا آخرین روز زندگی ننگین خود، همچنان به سرمایه اندوزی و خویشخوری و... مصروف بود.

قسیم فهیم نیز به کرزی پیوسته است و به لقب فرمایشی "مارشال" و مقام نمایشی "معاون اول" دل خوش نموده و همچنان مشغول سرمایه اندوزی است و تفتین و توطئه.

عبدالله عبدالله بعد از ناکامی در انتخابات ریاست جمهوری، از جمعیت بریده و جمعیت کوچک دیگری را بنیاد گذاشته است.

یونس قانونی نیز بعد از آنکه در ریاست پارلمان دور اول شورا نصب گردید، گروپ مختص بخود را بنیان گذاشته و از جمعیت اسلامی ربانی جدا شد.

برادران مسعود نیز هر کدام در هر گوشه همچنان مشغول کاسبی های ناروای خود اند.

عطا محمد هم به چوکی ولایت دل خوش نموده و بیجا غر و فش زده قد بلندک میکند.

اسمعیل خان هم با قربانی نمودن پسر به وزارت رسید و هنوز هم بصورت غیر قانونی به همان چوکی چسبیده است.

جمعیت اسلامی از دیر زمانست که مرده است. قرار یکه خلقی ها و پرچمی ها میگفتند "حزب و تره کی جسم و روح اند"، همانگونه هم جمعیت و ربانی، جسم و روح بودند و با کشته شدن ربانی، روح جمعیت هم پرواز کرد.

مردم درد رسیده و داغدار افغانستان سه روز نفس به راحت درکشند و مطمئن باشند که خونهای پاک فرزندان صدیق این مرز و بوم بلا رسیده، بی بازخواست نخواهد ماند و جویباری خواهد شد خروشان و خشمگین که هر خار و خسی را بی هراس از خاک پاک میهن در خون نشسته ما خواهد روفت.

دپانو شمیره: له ۱ تر 4

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادښت: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لېکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له راليرلو مخکې په څېر و لولئ

ترور ربانی مانند هر ترور دیگری سوال برانگیز است. طالبان که همیشه مسؤولیت حملات انتحاری را بلاوقفه بدوش میگیرند، اینبار از پذیرفتن مسؤولیت مرگ ربانی شانه خالی نموده و تا هنوز خاموش اند. گفته میشود ربانی قربانی خصومت های درون حزبی خود شده باشد. باید گفت که هرگاه هدف ضربه های طالبان، جنگ سالاران و جنگ اوران و جنگ جویانی چون ربانی ها باشد، (هر چند در ردای صلح خزیده باشند)، قدمی خواهد بود بسوی صلح و آرامش، چه با موجودیت چنین افرادی در رده های بالائی قدرت لشکری و کشوری، افغانستان هرگز روی صلح و آرامش را نخواهد دید.

نوحه سرانی در مرگ ربانی

مقام های بلند رتبه خارجی و داخلی در مرگ ربانی در حالی نوحه سرانی دارند که در سی سال گذشته، قطره اشکی بر مزار بیش از دومیلیون افغان که قربانی جنگ سرد گردیدند، نریختند و همدردی ابراز نداشتند.

باراک اوباما، رئیس جمهور امریکا گفته است: " او مردی بود که خیلی به فکر مردم افغانستان بود او یک مشاور باارزش رئیس جمهور کرزی بوده و مصدر خدمات شایانی برای کشورش شد، از این رو مرگ او یک ضایعه غم انگیز است".

جناب رئیس جمهور! چرا از حقیقت طفره میروید. میگویند سیاست یعنی دروغ گفتن و شما با گفته های تان آنرا ثابت ساختید. کاش دروغی میگفتید که اندکی به راست برابر میبود. او در زندگی ننگین خود حتی یک ساعت هم به فکر مردم افغانستان نبود. او هرگز مشاور خوب در بین بیش از یک هزار مشاور کرزی نبود، بلکه باید گفت در بین مشاوران کرزی حتی نمی توان یک مشاور خوب پیدا کرد. او نه تنها مصدر هیچ خدمتی به کشورش نگردیده، بلکه غیر از خیانت و جنایت کاری نکرده است. مرگ او شاید برای شما و امثال شما یک ضایعه غم انگیز باشد، چون یک استخدام شده خود را از دست دادید.

خانم کلینتون ترور آقای ربانی را یک "حمله بزدلانه" توصیف و بر دستگیری هر چه سریع تر طراحان آن تاکید کرد.

خانم کلینتون چرا در غم ربانی نشسته است و چرا لحظه ای به ملت رنجیده افغان نمی اندیشد و چرا بر دستگیری سریع تر جنایتکاران جنگی که در دربار کرزی لمیده اند، تاکید نمی نمائید؟ چرا بر دستگیری سریع دوستم ها و فهیم ها و سیاف ها و قانونی ها و خلیلی ها تاکید نمی کنید؟

دیوید کامرون، صدراعظم برتانیه با ارسال پیامی در باره ترور آقای ربانی گفت: "من به شدت از قتل برهان الدین ربانی منزعج شدم. او یکی از رؤسای جمهور محترم پیشین افغانستان بود و نقش مهمی در شورای عالی صلح افغانستان بازی می کرد".

از کامرون ها نباید گله مند بود. انگریز ها هنوز هم سه بار شکست در میدان های جنگ افغان - انگلیس را فراموش نکرده اند و هنوز هم با مردم افغانستان کین و کدورت پایان ناپذیر دارند. او باید هم از قتل ربانی به شدت منزعج باشد چرا که ربانی دست پرورده انگلیس بود و گوش بفرمان لندن. او هرگز رئیس جمهور افغانستان نبوده و نزد ملت با شهامت افغان هیچ احترامی نداشت. او فقط چهار صباحی تیکه دار پل باغ عمومی کابل بود که مردم کابل از سگ جنگی های آنان لحظه ای فارغ نبودند. او هرگز در هیچ زمانی نقشی در صلح نداشت و تنها و تنها به جنگ می اندیشید چون یک جنگ سالار بود. اما تأثرات جناب کامرون قابل فهم است.

احمدی نژاد در پیام خود آورده است: " بی تردید نقش ممتاز این شخصیت فرهیخته در پیشبرد آرمان ملی صلح و دفاع از استقلال و حاکمیت مردم افغانستان ...".

احمدی نژاد از "نقش ممتاز"، چه میداند؟ آیا این نقش ممتاز، درست همان نقشی نیست که احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری ایران بازی کرد؟ آیا احمدی نژاد معیار " شخصیت فرهیخته " بودن را میداند؟ ربانی چند روز قبل از مرگ خود به دست بوسی شما و رهبر تان خامنه ئی، به تهران آمده بود، آیا شما ذره ای از " آرمان ملی صلح و دفاع از استقلال و حاکمیت مردم" را در وجود بی وجود او سراغ نموده بودید؟ یکی از آن رژیم های بیگانه که در افغانستان صلح را برهم میزند و استقلال سیاسی - فرهنگی را در کشور ما خدشه دار می سازد، رژیم سفاک جمهوری اسلامی ایران است و این را شما از همه بهتر میدانید. پس لطف نموده اشک تمساح نریزید.

امام علی رحمان، رئیس جمهور تاجیکستان نیز ترور برهان الدین ربانی را محکوم کرد این واقعه را برای مردم افغانستان و تاجیکستان، "فاجعه ای بزرگ" خواند.

امام علی رحمان (اوف) ها باید بدانند که شاید برای رژیم بر سر اقتدار تاجیکستان، ترور ربانی ها، یک فاجعه باشد، اما برای مردم افغانستان "آغاز فاجعه ای بزرگ"، هفتم ثور بود و امتداد آن، فاجعه هشتم ثور. مرگ ربانی ها به منزله نفس راحتی برای مردم جنگ زده افغانستان است.

رامین مهمان پرست، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، گفته است: "شهادت رئیس شورای عالی صلح افغانستان همزمان با روز جهانی صلح، نشانه گسترش تروریسم در این کشور با وجود ۱۰ سال حضور نیروهای خارجی به بهانه برقراری صلح، ثبات و آرامش است".

آقای مهمان پرست! از روی لطف نمک را که خوردید، نمکدان را نشکنید و پای تانرا برابر گلیم تان دراز کنید. کوشش نکنید از هر فرصتی استفاده نموده و نیات شوم خود و رژیم فرسوده و تاریخزده تانرا از ستیز و آدرس افغانستان، فریاد کنید. شما و رژیم جمهوری اسلامی تان از نخستین روز تا همین اکنون با کارنامه های تروریستی خود در داخل و خارج از ایران، به صلح و روز جهانی صلح سخت توهین روا داشته اید شما و رژیم تازیانه و دار تان به صلح و روز جهانی آن نه باور دارید و نه هم ایمان.

قسیم فهیم: دشمنان افغانستان اگر به این باور باشند که با شهید کردن قهرمانان، شخصیت‌ها و بزرگان، افغانستان داعیه استقلال، صلح و خود ارادیت، آزادی و سربلندی . . . را فراموش بکند، این محاسبه یک محاسبه غلط است.

جناب مارشال اعزازی! یکی تو قهرمان هستی، یکی "قهرمان"! تان، قهرمان بود و یکی هم استاد تان. آن دو به زباله دان تاریخ سپرده شدند و اکنون نوبت توست. تو از محاسبه چه میدانی؟!

محاسبه را مردم افغانستان میکنند و با آنانی محاسبه خواهند کرد که سی سال آزرگار خون ملت در جام کردند و مستانه سرکشیدند و مملکت را به خاکدان سیه نشانند. محاسبه غلط و درست را مردم قضاوت خواهند کرد.

کریم خلیلی: "استاد برهان الدین ربانی یکی از رهبران و شخصیت‌های بزرگ سیاسی در کشور بود که تلاشهای زیادی را برای پیشرفت، ترقی، نجات و صلح و ثبات در افغانستان و منطقه انجام داد تا جایی که جانش را در این راه قربانی ساخت."

اگر "استاد"! شما "شخصیت بزرگ سیاسی" بود و شما دروغ نمیگوئید و به آنچه میگوئید ایمان دارید، (هرچند به ایمان شما شک است)، پس جنگ های خانمان برانداز و استخوان سوز حزب وحدت شما با جمعیت "استاد" تان برای چه بود؟

اگر "استاد" تان "تلاش های زیاد برای پیشرفت، ترقی، نجات و صلح و ثبات در افغانستان"، از منطقه بگذریم که بزرگتر از دهن شماست، انجام داد، پس کشتار های بدون وقفه و چور غارت و چپاول و تاراج و تجاوز و تخریب کامل کابل و جنگ های وحشتناک و قتل عام سیستماتیک در افشار و کارته سه به دستور کی صورت گرفت؟

شما جناب خلیلی حتی به پیروان خود هم صادق نیستید و بصورت وحشتناکی دروغ می گوئید. یکبار به فلم های متعددی که حزب تان بعد از فاجعه افشار تهیه نموده است، مراجعه کنید. قضاوت به شما، سر درگریبان کنید و وجدان تان را اگر چیزی از آن باقی مانده باشد، قاضی سازید. ربانی جان خود را در بدل چوکی پرستی و پول اندوزی از دست داد و این راهیست که شما هم در آن روان هستید.

محمد محقق: "ترور استاد شهید خلیلی وحشیانه است. آقای ربانی به عنوان یک ریش سفید و عالم اقدامات صلح آمیز داشت و یک سال بود که در راه صلح تلاش می کرد."

بلی او ریش سفید بود و ریش خود را در راه ایجاد تعصبات قومی و نژادی سفید کرد. ریش او در جنگ و خونریزی و چور و غارت و به قیمت خون بیش از شصت و پنج هزار باشندگان کابل و بیش از سه هزار باشندگان افشار سفید شد و این دلیلی برای برائت او شده نمی تواند. جناب محقق به حقیقت نرسیده، از سرلطف، به نام "عالم"، توهین روا مدارید. او در شورای نام نهاد صلح کرزی هیچ کار مثبتی انجام نداد. بلی او در یک سال گذشته بنام صلح، از خزانه بیت المال سرشار دزدید و هم اندرین راه کشته شد.

رشید دوستم: "پروفیسور استاد برهان الدین ربانی، یکی از شخصیت‌های بزرگ عرصه جهاد و مقاومت، رئیس جمهور اسبق دولت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح و رهبر حزب جمعیت اسلامی افغانستان بود که در راستای اعلاى کلمه الله و مجاهدت و مقاومت در برابر تهاجم و تجاوز بیگانگان جد و جهد بی پایان نموده است.

من که این شخصیت وارسته، مهربان و مدبر را از دیر زمان شناخته و در راه جهاد و مقاومت چنان به او نزدیک بودم و پیوند داشتیم که افتخار پسر و پدر خواندگی او را کمایی نمودم . . ."

رشید دوستم "گلم جم"، که مانند "استاد"! خود و مانند "پدرخوانده" ای خود به القاب اعزازی و شش متره، عشق میورزد، ربانی را در مرگ نیز از این خود پرستی و خود بزرگ بینی محروم نساخت و پاس فرزندی را بجا آورد. اما باید دید که دزد هم خدا میگوید و کاروان هم. ربانی هم بنام خدا و دین و جهاد و "اعلاى کلمه الله"!!، مجاهدت و مقاومت کرد، دوستم هم. ربانی ملیشه خونریز و غارت گری را فرزند خواند و مجاهد کبیر نامید و دوستم ربانی را گاهی تا آسمان ها بلند برد و گاهی هم بر زمین ذلت و خواری زد. ربانی زمانی او را مجاهد کبیر گفت و فرزند خواند و زمانی هم باغی و باغی گفت و در مقابلش اعلان جهاد کرد. دوستم بای! زمانی که ربانی گویا در برابر تهاجم و تجاوز بیگانه "جد و جهد" میکرد، تو در کجا بودی و مصروف کدام وظیفه مقدس؟؟؟ چرا سفسطه سرائی میکنی؟! تاریخ حافظه قوی دارد. زمانی که در افغانستان جهاد در مقابل تجاوزگران روسی بصورت وحشیانه

سرکوب میگردید، تو و امثال تو در خدمت تجاوزگران روسی بوده و به سرکوب مردم آزاده افغانستان مشغول بودید. کور هم میدانند که دلدۀ شور است. در زمان گویا "مقاومت" تو هم مانند پدرخوانده خود، فرار را برقرار ترجیح داده و به دامن اربابان خود پناه بردی و درست زمانی که طیارات غول پیکر امریکائی افغانستان ویرانه را با بمب فرش کردند، میدان را شغالی دیده و مانند پدرخوانده چهاردست و پا هجوم آورده و پیشمرگ عساکر امریکائی گردید و . . . امروز دوستم در مرگ ربانی نوحه سر داده است و فردا کسی نخواهد بود که در مرگ او نوحه سرائی کند.

رسول سیاف: استاد بزرگوار مرد سنگر، مرد سیاست، مرد صلح، مرد پیوند دهنده ملیتها و اقوام و سمتهای افغانستان بود.

سیاف و هابی خوب میدانند که دروغ میگوید. ربانی درست مانند خود او نه مرد سیاست بود، نه سنگر و نه صلح. او هرگز حتی برای یک لحظه از عمر نکبت بار خود، پیوند دهنده!! نبود و تا توانست تفرقه ایجاد کرد و تخم تفرقه پاشید. سیاف ها هنوز هم معنی " ملیت ها"، را نمی دانند و از "سمت" و سمت بازی فارغ نگردیده اند. ربانی حتی قادر به پیوند دادن داکتر عبدالله و یونس قانونی و امرالله صالح نبود، چگونه میتواندست اقوام را پیوند دهد؟

حفیظ منصور: با مرگ ربانی ما یک سیاستمدار بی نظیر در تاریخ افغانستان را از دست دادیم که جایش را کسی نمی تواند پر کند بدون تردید که نبود استاد ربانی از نظر سیاسی و اداری یک ضایعه است.

حفیظ میدانند که با مرگ استاد خود، حتی چانس ماندن در شورا را نخواهد داشت. تاریخ افغانستان فقط شاهد مرگ یک جنگ سالار دیگر است نه بیش و نه کم. بدون تردید که نبود ربانی، مرگ جمعیت اسلامی است و یک " ضایعه" برای اعوان و انصارش.

عطا محمد نور: از همه پیروان رهبر بزرگوار خویش می خواهم که وحدت خویش را حفظ کنند و از این کرمهای ازدها مانند آدمخوار، انتقام خون رهبر خود و قهرمان ملی خود را بگیرند دیگر برای ما شورای صلح معنی ندارد، در افغانستان صلح و مفاهمه با ددمنشان آدمخوار معنی ندارد.

عطا محمد نور تا میتوانی داد و فریاد کن. جنگ سالاران و رهبران شان سرنوشت بهتر از این پیشرو ندارند. وحدت پیروان ربانی سال هاست که گسسته است و وجود خارجی ندارد. (زور کاکاست که انگور ده تاک هاست). شورای صلح از روز نخست برای ملت افغان معنی نداشت، صرف چوکی پرستی و زر اندوزی و قدرت پرستی ربانی، باعث آن گردیده بود که کرزی برای او این معجون مرکب را راه ایجاد کرده و جنون قدرت طلبی او را مهار کند. قهرمانان شما یکی پی دیگر جواب جنایات خود را میدهند و شما هم از این قاعده مستثنی نیستید. فعلاً تا رسیدن نوبت خود، قهرمانان خود را شماره بزنید. قهرمان شماره یک، شماره دو و . . .

در خاتمه باید علاوه کرد که سیاست و دیپلوماسی و سخنان دیپلماتیکی و . . . قابل فهم است و سیاست ایجاب میکند تا همچو دروغ ها جهت تسلی و ابراز تأثر و . . . بر زبان آورده شود، بخصوص از زبان سردمداران خارجی، اما و مگر دروغ های شاخدار را که از حقیقت به فرسخ ها فاصله داشته باشد، بر زبان آوردن، در حقیقت توهین به بیش از دو میلیون شهید راه آزادی و عدالت است.

**سرمایه تو از این جهان يك كفن است
آن هم به گمان است بري يا نيري**